

صلى الله عليه وسلم



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی

تحلیلی بر رابطه توسعه سیاسی و اقتصادی با شکاف جنسیتی در کشورهای مسلمان

خاورمیانه

استاد راهنما:

دکتر وحید قاسمی

استاد مشاور:

دکتر سید جواد امام جمعه‌زاده

پژوهشگر:

مرضیه مهربانی

مهر ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ی علوم اجتماعی گرایش جامعه شناسی
خانم مرضیه مهربانی

تحت عنوان

تحلیلی بر رابطه توسعه سیاسی و اقتصادی با شکاف جنسیتی در کشورهای مسلمان

خاورمیانه

در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۹ توسط هیأت داوران زیر بررسی و بادرجه ~~پاس~~ به تصویب نهایی رسید.

امضا

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر وحید قاسمی با مرتبه ی علمی دانشیار

امضا

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر سید جواد امام جمعه زاده با مرتبه ی علمی استادیار

امضا

۳- استاد داور داخل گروه دکتر ثریا معمار با مرتبه ی علمی استادیار

امضا

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر عباس حاتمی با مرتبه ی علمی استادیار

امضای مدیر گروه

دکتر وحید قاسمی

به تماشا رو کند و

به آغاز کلام

واثقی در تفسیر است

واثقی شکر و ریاس

بهرت ریاس فراوان خدمت حضرت دوست که هر چه بهرت از لطف و ارادت او است. او عدم را بهرتی بپوشید تا بودنی باشد
اندیشه ای بال زند و چراغی روشن کرد.

بر خود و بجز به حق راحت تمام از کسافی که راهزنی‌های این جهان بسند و دشمنی که در عین حال مدعی ازم که حق بیچ یک از
آنان آن چنان که بیداردا نشده است. ریاس و قدر دانی صبر میماند و در ابراز من دارم به:

خانواده ام که ایشان صبر، تلاش بی‌انقطاع و عظمی مرا به هر واژه انسان بودن رهنمون میزند. اساتید بزرگوارم
آقای دکتر و جدید قاسمی به عنوان اهل تکریم و احترام به خاطر رهنمونی‌هایشان در دوران تحصیل و به خصوص در مورد پایان نامه ام و
آقای دکتر میرجو و دیگر داناتان به عنوان استاد مشاور، به خاطر کمک‌های مینیدشان.

همچنین ریاسک خازم و دکتر تریامه مار و آقای دکتر عباس حاکمی فی حجت داور می پیمان نامه را کشیدند.

ریاسک زارم از کلیه اساتید محترم گروه علوم اجتماعی و دوست عزیزم بدری بزرگمی، زحمت‌های و مانیه ناصری که در انجام
ن نامه این پلیمه مانیه یاری کردند. تو فوق روز افزون و سلامت و سعادت به گمان این عزیزان را از درگاه خداوند متعال
خواهانم.

تقدیرم به مهربان فرشته‌ها کنی که:

برخات ناب رودن

لذت و غرور در آرزیدن

جسارت خواستن

عظمت رسیدن

و تمام تیرگی‌های بی‌بای زندگی‌م ، مدیون حضور برآزما هست... .

پدر و مادر عزیزم خاطر بهر حمایت‌ها در نشان... .

و به نازنین بهر مرغی که در طلب جویایان کار تحقیق، یار و همراهم بود.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه رابطه توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی با شکاف جنسیتی در کشورهای مسلمان خاورمیانه صورت گرفته است. در این تحقیق مفاهیم توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و شکاف جنسیتی به صورت نظری از طریق ارائه مفاهیم، تاریخچه و نظریات مرتبط مورد تحلیل قرار گرفتند. چارچوب نظری تحقیق به صورت تلفیقی است که در آن به رابطه بین توسعه اقتصادی و نابرابری جنسیتی، توسعه سیاسی و نابرابری جنسیتی، و توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی پرداخته شده است. از جمله نظریات مطرح در این پژوهش نظریه بوزراپ، دیدگاه زن در توسعه، دیدگاه جنسیت و توسعه، نظریه رابرت دال، دیدگاه تساوی طلبان و نظریه مرنسی می‌باشد.

روش تحقیق در این پژوهش تحلیل ثانویه می‌باشد. محقق با مراجعه به بانک‌های جهانی داده و جستجو در آنها، پایگاه‌های داده‌ی مناسب برای آزمون فرضیات خود را استخراج نمود. جامعه‌ی مورد مطالعه شامل کلیه کشورهای مسلمان خاورمیانه است که محقق به دلیل در دسترس نبودن داده‌های کافی برای همه‌ی کشورهای مسلمان خاورمیانه برای متغیرهای تحقیق، مجبور به گزینش کشورهای دارای داده بود. به این صورت که تعداد ۱۱ کشور به طور همزمان برای دو متغیر توسعه اقتصادی و شکاف جنسیتی، تعداد ۱۲ کشور برای دو متغیر توسعه سیاسی و شکاف جنسیتی و تعداد ۱۰ کشور برای دو متغیر توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی دارای داده بودند. در تحلیل آماری این پژوهش از شیوه‌های آمار توصیفی و شاخص‌های آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون) استفاده شده است. با حذف داده‌های پرت از تحقیق، نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها در پژوهش حاضر به قرار زیر است:

در کشورهای مسلمان خاورمیانه بین توسعه اقتصادی و شکاف جنسیتی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین ابعاد دسترسی به بهداشت و توانمندی سیاسی زنان در شاخص شکاف جنسیتی نیز رابطه معناداری با توسعه اقتصادی ندارند؛ اما ابعاد دسترسی به فرصت و مشارکت اقتصادی و دسترسی آموزشی شاخص شکاف جنسیتی دارای رابطه معنادار و مستقیمی با توسعه اقتصادی می‌باشند. نتیجه دیگر این است که بین توسعه سیاسی و شکاف جنسیتی در کشورهای مسلمان خاورمیانه رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین همه‌ی ابعاد شاخص شکاف جنسیتی نیز رابطه معناداری با توسعه سیاسی ندارند. نتیجه آخر تحقیق این است که در کشورهای مسلمان خاورمیانه بین توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی رابطه معنادار و معکوسی برقرار می‌باشد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چند متغیره نشان می‌دهد که ۷۵٪ از واریانس متغیر شکاف جنسیتی توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل تجربی تحقیق تبیین می‌شود. از میان متغیرهای تحقیق، توسعه اقتصادی دارای بیشترین قدرت تبیین و اثرگذاری روی واریانس شکاف جنسیتی می‌باشد و پس از آن توسعه سیاسی در تبیین متغیر وابسته تأثیر داشته است.

واژه های کلیدی: توسعه، توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، شکاف جنسیتی، کشورهای مسلمان خاورمیانه.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات تحقیق	
۱-۱- مقدمه	۱
۲-۱- بیان مسئله	۲
۳-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق	۵
۴-۱- اهداف تحقیق	۶
۵-۱- پرسش‌های تحقیق	۷
۶-۱- تعریف واژگان کلیدی	۷
فصل دوم: ادبیات تحقیق	
۱-۲- مقدمه	۱۱
۲-۲- بخش اول: توسعه	۱۱
۱-۲-۲- تاریخچه توسعه	۱۲
۲-۲-۲- توسعه از نظر اندیشمندان	۱۷
۳-۲-۲- توسعه اقتصادی	۲۰
۱-۳-۲-۲- مفهوم رشد و توسعه اقتصادی	۲۱
۲-۳-۲-۲- رویکردهای نظری به توسعه اقتصادی	۲۳
۳-۳-۲-۲- شاخص‌های اندازه‌گیری رشد و توسعه اقتصادی	۲۸
۴-۳-۲-۲- توسعه اقتصادی در منطقه خاورمیانه	۳۳
۴-۲-۲- توسعه سیاسی	۳۹
۱-۴-۲-۲- مفهوم توسعه سیاسی	۴۰
۲-۴-۲-۲- رویکردهای نظری به توسعه سیاسی	۴۸
۳-۴-۲-۲- شاخص‌های اندازه‌گیری توسعه سیاسی	۵۵
۴-۴-۲-۲- توسعه سیاسی در منطقه خاورمیانه	۵۸
۳-۲- بخش دوم: شکاف اجتماعی	۶۳
۱-۳-۲- مفهوم شکاف اجتماعی	۶۳
۲-۳-۲- قشربندی و نابرابری اجتماعی زمینه شکاف اجتماعی	۶۵

عنوان	صفحه
۳-۳-۲- انواع شکاف‌های اجتماعی.....	۶۷
۴-۳-۲- شکاف جنسیتی.....	۷۱
۱-۴-۳-۲- مفهوم جنس و جنسیت.....	۷۲
۲-۴-۳-۲- مفهوم شکاف جنسیتی.....	۷۲
۳-۴-۳-۲- رویکردهای نظری به شکاف و نابرابری جنسیتی.....	۷۴
۴-۴-۳-۲- شاخص‌های اندازه‌گیری شکاف و نابرابری جنسیتی.....	۷۸
۵-۴-۳-۲- شکاف و نابرابری جنسیتی در منطقه خاورمیانه.....	۸۱

فصل سوم: پیشینه و چارچوب نظری تحقیق

۱-۳- مقدمه.....	۸۵
۲-۳- بخش اول: پیشینه تحقیق.....	۸۵
۱-۲-۳- پیشینه داخلی تحقیق.....	۸۵
۲-۲-۳- پیشینه خارجی تحقیق.....	۹۲
۳-۳- بخش دوم: چارچوب نظری تحقیق.....	۹۶
۱-۳-۳- توسعه اقتصادی و نابرابری جنسیتی.....	۹۷
۲-۳-۳- توسعه سیاسی و نابرابری جنسیتی.....	۱۰۷
۳-۳-۳- توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی.....	۱۱۹
۴-۳-۳- مدل‌های نظری تحقیق.....	۱۲۷
۵-۳-۳- فرضیه‌های تحقیق.....	۱۲۸

فصل چهارم: روش‌شناسی

۱-۴- مقدمه.....	۱۳۰
۲-۴- روش تحقیق.....	۱۳۰
۳-۴- تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق.....	۱۳۱
۱-۳-۴- تعریف نظری و عملیاتی متغیر وابسته.....	۱۳۱
۱-۱-۳-۴- شکاف جنسیتی.....	۱۳۱
۲-۳-۴- تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای مستقل.....	۱۳۲
۱-۲-۳-۴- توسعه اقتصادی.....	۱۳۲
۲-۲-۳-۴- توسعه سیاسی.....	۱۳۳

عنوان	صفحه
۴-۴- واحد تحلیل.....	۱۳۴
۴-۵- جامعه و نمونه آماری.....	۱۳۵
۴-۶- منابع داده‌ی پژوهش.....	۱۳۶
۴-۷- اعتبار.....	۱۳۷
۴-۸- روش‌های آماری تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها.....	۱۳۷
۴-۹- داده‌های پرت.....	۱۳۸

فصل پنجم: نتایج و یافته‌های تحقیق

۵-۱- مقدمه.....	۱۴۰
۵-۲- آمار توصیفی.....	۱۴۱
۵-۲-۱- شاخص‌های پراکندگی توسعه اقتصادی در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....	۱۴۱
۵-۲-۲- توزیع کشورهای مسلمان خاورمیانه بر حسب سطح توسعه اقتصادی.....	۱۴۲
۵-۲-۳- شاخص‌های پراکندگی توسعه سیاسی در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....	۱۴۲
۵-۲-۴- توزیع فراوانی کشورهای مسلمان خاورمیانه بر حسب توسعه سیاسی.....	۱۴۳
۵-۲-۵- توزیع کشورهای مسلمان خاورمیانه بر حسب سطح توسعه سیاسی.....	۱۴۴
۵-۲-۶- شاخص‌های پراکندگی شکاف جنسیتی در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....	۱۴۵
۵-۲-۷- توزیع کشورهای مسلمان خاورمیانه بر حسب سطح شکاف جنسیتی.....	۱۴۶
۵-۲-۸- شاخص‌های پراکندگی مشارکت اقتصادی در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....	۱۴۷
۵-۲-۹- توزیع کشورهای مسلمان خاورمیانه بر حسب سطح دسترسی به فرصت و مشارکت اقتصادی.....	۱۴۸
۵-۲-۱۰- شاخص‌های پراکندگی دسترسی آموزشی در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....	۱۴۸
۵-۲-۱۱- توزیع کشورهای مسلمان خاورمیانه بر حسب سطح دسترسی به آموزش.....	۱۴۹
۵-۲-۱۲- شاخص‌های پراکندگی دسترسی به بهداشت در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....	۱۵۰
۵-۲-۱۳- توزیع کشورهای مسلمان خاورمیانه بر حسب سطح دسترسی به بهداشت.....	۱۵۱
۵-۲-۱۴- شاخص‌های پراکندگی توانمندی سیاسی زنان در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....	۱۵۱
۵-۲-۱۵- توزیع کشورهای مسلمان خاورمیانه بر حسب سطح توانمندی سیاسی زنان.....	۱۵۲
۵-۳- آمار استنباطی.....	۱۵۳
۵-۳-۱- آزمون فرضیات پژوهش.....	۱۵۳
۵-۳-۱-۱- آزمون فرضیه اول.....	۱۵۳
۵-۳-۱-۱-۱- آزمون فرضیه فرعی فرضیه اول.....	۱۵۵

عنوان	صفحه
۵-۳-۱-۲-آزمون فرضیه دوم.....	۱۶۲
۵-۳-۱-۲-۱-آزمون فرضیات فرعی فرضیه دوم.....	۱۶۴
۵-۳-۱-۳-آزمون فرضیه سوم.....	۱۷۰
۵-۳-۲-تحلیل رگرسیونی.....	۱۷۲
۵-۴-مدل‌های تجربی تحقیق در قالب مدل معادله ساختاری.....	۱۷۴
۵-۴-۱-مراحل مدل‌سازی معادله ساختاری.....	۱۷۵
فصل ششم: نتیجه‌گیری، پیشنهادات و محدودیت‌ها	
۶-۱-مقدمه.....	۱۸۰
۶-۲-خلاصه مباحث.....	۱۸۰
۶-۳-نتایج تحقیق.....	۱۸۲
۶-۳-۱-نتایج فرضیه اول تحقیق.....	۱۸۲
۶-۳-۲-نتایج فرضیه دوم تحقیق.....	۱۸۶
۶-۳-۳-نتایج فرضیه سوم تحقیق.....	۱۹۱
۶-۳-۴-تحلیل رگرسیونی و مدل‌های معادله ساختاری.....	۱۹۴
۶-۴-پیشنهاداتی پژوهشی.....	۱۹۶
۶-۵-محدودیت‌های تحقیق.....	۱۹۶
پیوست.....	۱۹۷
منابع و مأخذ.....	۱۹۹

فهرست شکل‌ها

صفحه	عنوان
۱۶	شکل ۱-۲: سیر تطور معنایی توسعه.....
۱۲۷	شکل ۱-۳: مدل اول نظری تحقیق.....
۱۲۷	شکل ۲-۳: مدل دوم نظری تحقیق.....
۱۲۸	شکل ۳-۳: مدل سوم نظری تحقیق.....
۱۴۱	شکل ۱-۵: توزیع فراوانی توسعه اقتصادی در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....
۱۴۳	شکل ۲-۵: توزیع فراوانی توسعه سیاسی در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....
۱۴۵	شکل ۳-۵: توزیع فراوانی شکاف جنسیتی در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....
۱۴۷	شکل ۴-۵: توزیع فراوانی دسترسی به فرصت و مشارکت اقتصادی در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....
۱۴۹	شکل ۵-۵: توزیع فراوانی دسترسی آموزشی در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....
۱۵۰	شکل ۶-۵: توزیع فراوانی دسترسی به بهداشت در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....
۱۵۲	شکل ۷-۵: توزیع فراوانی توانمندی سیاسی زنان در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....
۱۵۴	شکل ۸-۵: نمودار پراکندگی برای متغیر توسعه اقتصادی و شکاف جنسیتی.....
۱۵۶	شکل ۹-۵: نمودار پراکندگی برای متغیر توسعه اقتصادی و دسترسی به فرصت و مشارکت اقتصادی.....
۱۵۷	شکل ۱۰-۵: نمودار پراکندگی برای متغیر توسعه اقتصادی و دسترسی آموزشی.....
۱۵۹	شکل ۱۱-۵: نمودار پراکندگی برای متغیر توسعه اقتصادی و دسترسی به بهداشت.....
۱۶۱	شکل ۱۲-۵: نمودار پراکندگی برای متغیر توسعه اقتصادی و توانمندی سیاسی زنان.....
۱۶۳	شکل ۱۳-۵: نمودار پراکندگی برای متغیر توسعه سیاسی و شکاف جنسیتی.....
۱۶۴	شکل ۱۴-۵: نمودار پراکندگی برای متغیر توسعه سیاسی و دسترسی به فرصت و مشارکت اقتصادی.....
۱۶۶	شکل ۱۵-۵: نمودار پراکندگی برای متغیر توسعه سیاسی و دسترسی آموزشی.....
۱۶۸	شکل ۱۶-۵: نمودار پراکندگی برای متغیر توسعه سیاسی و دسترسی به بهداشت.....
۱۶۹	شکل ۱۷-۵: نمودار پراکندگی برای متغیر توسعه سیاسی و توانمندی سیاسی زنان.....
۱۷۱	شکل ۱۸-۵: نمودار پراکندگی برای متغیر توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی.....
۱۷۴	شکل ۱۹-۵: مدل اول تجربی معادله ساختاری.....
۱۷۷	شکل ۲۰-۵: مدل دوم تجربی معادله ساختاری.....
۱۷۹	شکل ۲۱-۵: مدل سوم تجربی معادله ساختاری.....

فهرست جدول‌ها

عنوان	صفحه
جدول ۱-۲: خلاصه تعاریف توسعه از دیدگاه صاحب‌نظران.....	۱۹
جدول ۱-۴: فهرست کشورهای مسلمان خاورمیانه.....	۱۳۵
جدول ۱-۵: شاخص‌های پراکندگی توسعه اقتصادی در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....	۱۴۱
جدول ۲-۵: توزیع کشورهای مسلمان خاورمیانه بر حسب سطح توسعه اقتصادی.....	۱۴۲
جدول ۳-۵: شاخص‌های پراکندگی توسعه سیاسی در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....	۱۴۲
جدول ۴-۵: توزیع فراوانی کشورهای مسلمان خاورمیانه بر حسب توسعه سیاسی.....	۱۴۳
جدول ۵-۵: توزیع کشورهای مسلمان خاورمیانه بر حسب سطح توسعه سیاسی.....	۱۴۴
جدول ۶-۵: شاخص‌های پراکندگی شکاف جنسیتی در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....	۱۴۵
جدول ۷-۵: توزیع کشورهای مسلمان خاورمیانه بر حسب سطح شکاف جنسیتی.....	۱۴۶
جدول ۸-۵: شاخص‌های پراکندگی مشارکت اقتصادی در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....	۱۴۷
جدول ۹-۵: توزیع کشورهای مسلمان خاورمیانه بر حسب سطح مشارکت اقتصادی.....	۱۴۸
جدول ۱۰-۵: شاخص‌های پراکندگی دسترسی آموزشی در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....	۱۴۸
جدول ۱۱-۵: توزیع کشورهای مسلمان خاورمیانه بر حسب سطح دسترسی به آموزش.....	۱۴۹
جدول ۱۲-۵: شاخص‌های پراکندگی دسترسی به بهداشت در کشورهای مسلمان خاورمیانه.....	۱۵۰
جدول ۱۳-۵: توزیع کشورهای مسلمان خاورمیانه بر حسب سطح دسترسی به بهداشت.....	۱۵۱
جدول ۱۴-۵: شاخص‌های پراکندگی توانمندی سیاسی زنان کشورهای مسلمان خاورمیانه.....	۱۵۱
جدول ۱۵-۵: توزیع کشورهای مسلمان خاورمیانه بر حسب سطح توانمندی سیاسی زنان.....	۱۵۲
جدول ۱۶-۵: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه اقتصادی و شکاف جنسیتی.....	۱۵۳
جدول ۱۷-۵: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه اقتصادی و شکاف جنسیتی با حذف داده‌های پرت.....	۱۵۴
جدول ۱۸-۵: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه اقتصادی و دسترسی به فرصت و مشارکت اقتصادی.....	۱۵۵
جدول ۱۹-۵: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه اقتصادی و دسترسی به فرصت و مشارکت اقتصادی با حذف داده‌ی پرت.....	۱۵۶
جدول ۲۰-۵: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه اقتصادی و دسترسی آموزشی.....	۱۵۷

عنوان

صفحه

جدول ۵-۲۱: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه اقتصادی و دسترسی آموزشی با حذف داده پرت.....	۱۵۸
جدول ۵-۲۲: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه اقتصادی و دسترسی به بهداشت.....	۱۵۸
جدول ۵-۲۳: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه اقتصادی و دسترسی به بهداشت با حذف داده‌ی پرت.....	۱۵۹
جدول ۵-۲۴: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه اقتصادی و توانمندی سیاسی زنان.....	۱۶۰
جدول ۵-۲۵: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه اقتصادی و توانمندی سیاسی زنان با حذف داده های پرت.....	۱۶۱
جدول ۵-۲۶: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه سیاسی و شکاف جنسیتی.....	۱۶۲
جدول ۵-۲۷: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه سیاسی و شکاف جنسیتی با حذف داده‌های پرت.....	۱۶۳
جدول ۵-۲۸: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه سیاسی و دسترسی به فرصت و مشارکت اقتصادی.....	۱۶۴
جدول ۵-۲۹: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه سیاسی و دسترسی به فرصت و مشارکت اقتصادی با حذف داده‌های پرت.....	۱۶۵
جدول ۵-۳۰: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه سیاسی و دسترسی آموزشی.....	۱۶۵
جدول ۵-۳۱: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه سیاسی و دسترسی آموزشی با حذف داده‌های پرت.....	۱۶۶
جدول ۵-۳۲: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه سیاسی و بهداشت.....	۱۶۷
جدول ۵-۳۳: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه سیاسی و توانمندی سیاسی زنان.....	۱۶۸
جدول ۵-۳۴: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه سیاسی و توانمندی سیاسی زنان با حذف داده‌های پرت.....	۱۶۹
جدول ۵-۳۵: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی.....	۱۷۰
جدول ۵-۳۶: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی با حذف داده‌های پرت.....	۱۷۱
جدول ۵-۳۷: خلاصه مدل در خروجی تحلیل رگرسیون چند متغیره.....	۱۷۲
جدول ۵-۳۸: ضرایب رگرسیون متغیرهای پژوهش.....	۱۷۳

صفحه	عنوان
۱۷۳	جدول ۵-۳۹: تحلیل واریانس برای آزمون معناداری شکل رگرسیونی (برآورد واریانس).....
۱۷۶	جدول ۵-۴۰: معیارهای برازش مدل اول و تفسیر برازش قابل قبول.....
۱۷۸	جدول ۵-۴۱: معیارهای برازش مدل دوم و تفسیر برازش قابل قبول.....

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

زنان در طول تاریخ همواره به عرصه‌ی خصوصی و امور خانگی تعلق داشته‌اند؛ جز در برخی موارد، این تجربه به طور مشترک در همه‌ی جوامع بشری با ویژگی‌ها و اشکال گوناگون تداوم یافته است. در همین چارچوب مردان نیز به عرصه عمومی که فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مختلف را شامل بوده، تعلق داشته‌اند. بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند که با انقلاب صنعتی در موقعیت زنان (اجتماعی و خانوادگی) به تدریج دگرگونی‌هایی پدید آمد. در واقع شکاف جنسیتی تا قبل از تحولات ناشی از صنعتی شدن و ظهور سرمایه‌داری یک شکاف خفته و غیرفعال بود؛ اما به دنبال انقلاب صنعتی، ظهور عصر روشنگری و ارائه آراء و عقاید اندیشمندان و فیلسوفان اروپایی درباره‌ی حاکمیت مردم، جمهوری و دموکراسی، زمینه‌ی مشارکت مردم در عرصه‌ی سیاسی پدید آمد. زنان نیز چون گروه‌های بی‌امتياز در جستجوی کسب حقوق سیاسی بودند. تا این که سرانجام حق رأی سیاسی زنان از اوایل قرن بیستم در کشورهای اروپایی مورد شناسایی قرار گرفت. با این وجود، هنوز حقوق زنان به طور کامل به اجرا درنیامده است و به ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، اجحاف در مورد حقوق زنان به چشم می‌خورد.

با توجه به تجربیات کشورهای پیشرفته، پژوهشگران علوم اجتماعی به این مسئله توجه کرده‌اند که در الگوی توسعه یافتگی جهان غرب، معمولاً "فرآیند نوسازی با ورود هر چه گسترده‌تر زنان به حوزه عمومی همراه بوده و سهم زنان در تصمیم‌گیری‌ها افزایش پیدا کرده است. در این ارتباط نظریات متفاوتی مطرح گردیده است. برخی افزایش مشارکت زنان را یکی از عوامل و یا دست کم تسهیل‌کننده‌ی توسعه‌یافتگی آن کشورها به شمار آورده‌اند. برخی نیز به طور کامل "برعکس، ورود گسترده‌تر زنان به حوزه‌ی عمومی را محصول و نتیجه‌ی پیشرفت اقتصادی آن کشورها و یا دست کم عامل تسهیل‌کننده‌ی آن در نظر گرفته‌اند.

تحقیق حاضر قصد دارد به این مسئله پردازد که آیا توسعه، روند شکاف و نابرابری جنسیتی را در کشورهای مسلمان خاورمیانه بهبود می‌بخشد یا برعکس آنرا وخیم‌تر می‌سازد؟ دو مجموعه رهیافت نظری در جهت تبیین نابرابری اجتماعی مطرح است: رهیافت اول، نابرابری جنسیتی را با تعیین‌کننده‌های اقتصادی از جمله توسعه اقتصادی مرتبط می‌داند. در این رهیافت به نظریه‌های مختلفی اشاره می‌شود، از جمله نظریه مارکس، نظریه بوزراپ، دیدگاه زن در توسعه و دیدگاه جنسیت و توسعه؛ رهیافت دوم نابرابری جنسیتی را عمدتاً "با مراجعه به عوامل سیاسی و ساختار توزیع قدرت توضیح می‌دهند. در این رهیافت به نظریه رابرت دال، دیدگاه تساوی طلبان در فرانسه و نظریه مرنسی پرداخته می‌شود. راندل کالینز نیز در نظریه قشربندی جنسیتی به طور ضمنی در کنار بحث قدرت و عوامل سیاسی، به مسائل اقتصادی نیز توجه دارد.

به طور کلی چارچوب نظری تحقیق به صورت تلفیقی است؛ مبنی بر این که توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی، هر دو از عوامل تعیین‌کننده‌ی شکاف و نابرابری جنسیتی هستند. همچنین در این تحقیق از آنجا که کشورهای منطقه خاورمیانه جزء کشورهایی هستند که نظام اقتصادی و سیاسی آنها مبتنی بر ذخایر نفتی است، بنابراین بررسی رابطه توسعه سیاسی و اقتصادی نیز مد نظر قرار گرفت.

در فصل اول ابتدا به تبیین مسئله پژوهشی پرداخته می‌شود و اهمیت موضوع و ضرورت انجام تحقیق حاضر پس از آن تشریح می‌شود. در ادامه اهداف، پرسش‌های تحقیق و تعریف مفاهیم کلیدی تحقیق مشخص شده‌اند.

۱-۲- بیان مسئله

از دیرباز تاکنون انسان‌ها و جوامع انسانی در صدد دستیابی به رفاه، رشد و تکامل بوده‌اند. با نگاه اجمالی به متون تاریخی، اجتماعی و فلسفی متوجه خواهیم شد که مفهوم توسعه برای توضیح و تبیین تغییراتی بوده که در جامعه اتفاق می‌افتاد. امروز نیز کمتر کشوری است که به توسعه نیندیشد و رسیدن به آن را از اهداف خود قرار

ندهد. این خواسته، در دو سه قرن اخیر ابعاد گسترده‌تر، عمیق‌تر و عملی‌تری به خود گرفته و دانشمندان را به تفکر واداشته است.

با پایان گرفتن جنگ جهانی دوم بحث رشد و توسعه در دو قلمرو متفاوت، شکل نوینی به خود گرفت. در یک قلمرو، اروپای آسیب‌دیده از جنگ قرار داشت که در اندیشه‌ی بازسازی و نوسازی خود بودند و در قلمرو دیگر جوامع عقب‌مانده، استعمارزده و تازه استقلال یافته، که برای پر کردن شکاف عقب‌ماندگی خود با جوامع توسعه یافته، در اندیشه‌ی پاسخگویی به این سوالات بودند: باید از کجا آغاز کنند؟ چه کاری انجام دهند؟ و به چه چیز تکیه داشته باشند؟ (افخمی ستوده، ۱۳۸۳: ۵۴). ابتدا توسعه، واقعیتی اقتصادی تلقی گردید؛ اما به تدریج برداشت‌های جدیدتری از این مقوله‌ی ظهور کرد و آن را امری کاملاً "مرتبط با انسان و شرایط و نیازهای اساسی او در نظر گرفتند. در سالیان اخیر همچنین نوعی توجه به نقش دولت در توسعه و نیز میزان اهمیت سازوکارهای مبتنی بر بازار در فرآیند توسعه اقتصادی مبدول گردیده است.

مرور تأکیدات نظری مفهوم توسعه در دوره‌های گوناگون نشان می‌دهد که با توجه به تحولات سیاسی در سطح جهانی، عناصر متفاوتی مورد اقبال نظریه‌پردازان و محققان توسعه قرار گرفته است. توسعه به مثابه‌ی پیشرفت تاریخی، تدارک برنامه‌ریزی شده‌ی پیشرفت‌های سیاسی و اجتماعی، یک وضعیت در مقابل یک فرآیند، رشد اقتصادی، دگرگونی ساختاری، نوسازی، جهش در نیروهای مولد (برداشت مارکسیستی)، آزادی حق انتخاب (رویکرد آمارتیا سن)، توسعه پایدار، ضد صنعت‌گرایی، گفتمان سلطه و پساتوسعه از جمله رویکردهای متفاوتی است که تحولات مفهومی آن را در تعامل با سیاست نشان می‌دهد (لفت‌ویچ، ۱۳۸۵: ۴۱-۴۰).

توسعه مفهومی چند وجهی است که متضمن تغییر در جهت ارتقای وضعیت موجود است. تکثر مفهومی توسعه، سبب شده نوعی تنوع در طبقه‌بندی و نحوه‌ی اولویت‌بندی این وجوه در ادبیات توسعه مشاهده شود و دامنه‌ی آن از مسائلی مانند رشد اقتصادی، افزایش سطح رفاه، بهبود ساختارهای سیاسی، توسعه اجتماعی، فرهنگی، توسعه انسانی و... را شامل گردد. از نظر واینر و هانتینگتون، پنج هدف اصلی برای توسعه وجود دارد که عبارتست از: رشد اقتصادی، عدالت، نظم و ثبات سیاسی، دموکراسی و استقلال سیاسی. توسعه دارای وجوه اقتصادی، سیاسی و سیاسی-اقتصادی است (واینر و هانتینگتون، ۱۳۷۹: ۳۸). در این مطالعه، توسعه مفهومی چند بعدی و شامل وجوه اقتصادی، سیاسی تلقی می‌شود.

یکی از مقولات بسیار مهم در امر توسعه که مدت‌ها مورد غفلت نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران قرار گرفته بود مسئله‌ی جنسیت است. تا قبل از دهه‌ی ۱۹۷۰ رویکرد جنسیتی به توسعه وجود نداشت و آثار توسعه بر مردان و زنان یکسان پنداشته می‌شد. در حال حاضر نیز با وجود گرایش به مسائل زنان در رویکردهای جدید توسعه، در

اکثر کشورهای جهان، شکاف و نابرابری جنسیتی همچنان به چشم می‌خورد. مطالعات گسترده‌ای که صورت گرفته است دلالت بر این واقعیت دارد که تقریباً در تمامی نقاط جهان، زنان از وضعیت نازل‌تری نسبت به مردان برخوردارند. این شرایط در کشورهای جهان سوم و کشورهای عقب‌مانده به مراتب وخیم‌تر از کشورهای پیشرفته است.

آمارها و ارقام نشان می‌دهد با وجود اینکه بیشترین ساعات کاری جهان یعنی ۶۷٪ متعلق به زنان است؛ آنها تنها ۱۰ درصد از درآمد جهان را کسب می‌کنند. زنان کمترین کنترل را بر سرمایه و تکنولوژی دارند. از این رو برخی، زنان را متعلق به جهان چهارم دانسته‌اند. از نظر دستیابی به امکانات آموزشی، بهداشتی و درمانی نیز بین زنان و مردان نابرابری‌های زیادی وجود دارد. حدود هفتاد درصد بی‌سوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند و بخش عمده‌ای از این زنان به دلیل مسائل بهداشتی و مسائل ناشی از زایمان و سقط جنین جان خود را از دست می‌دهند (اعظم آزاده، ۱۳۸۴: ۵۳).

این تحقیق در صدد تحلیل تعامل میان شکاف جنسیتی و روند توسعه یافتگی (توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی) در کشورهای مسلمان خاورمیانه است. جوامعی که چارچوب این پژوهش را تشکیل می‌دهند، در جهان اسلام قرار دارند. این موارد نمونه‌هایی از جوامع به طور کامل سنتی همچون عربستان سعودی و جوامع در حال گذار همانند ایران و مصر را شامل می‌شود. لازم به ذکر است که همه‌ی این جوامع دست کم میزان اندکی از تحولات اجتماعی و اقتصادی را تجربه کرده‌اند و در جهت توسعه یافتگی به نسبت‌های متفاوت حرکت داشته‌اند. بر اساس گزارش‌ها و تحقیقات متعدد در مورد شرایط زنان در خاورمیانه و شمال آفریقا، ویژگی‌های عام و دشواری‌های عمومی زنان در این کشورها عبارتست از:

- (۱) مشارکت سیاسی در همه‌ی این کشورها در میان زنان پایین و نسبت به سهم آنان در جمعیت ناچیز است؛
- (۲) وضعیت و جایگاه زنان در همه‌ی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا از مردان پایین‌تر است؛ (۳) زنان در بازار کار نسبت به مردان در جایگاه نازل‌تری قرار دارند؛ (۴) تعداد زنان بی‌سواد از مردان بی‌سواد بیشتر است؛ (۵) در این جوامع زنان به سوی مشاغل خاصی مانند تدریس در مدارس و فعالیت در بیمارستان‌ها سوق داده می‌شوند؛
- (۶) زنان در برابر کار مساوی حقوق و دستمزد کمتری از مردان دریافت می‌کنند؛ (۷) برخی باورها و عادات تاریخی و فرهنگی در سراسر منطقه علیه سلامتی و بهداشت، رضایت و شادابی در رشد فردی و اجتماعی زنان عمل می‌کند؛ (۸) در سراسر این کشورها، آموزش و تعالیم دینی و غیردینی در جهت تثبیت نقش مسلط مردان تنظیم و هدایت می‌شوند؛ و (۹) در همه‌ی کشورهای منطقه اصلاحات قانونی و حقوقی در مورد ارث، ازدواج، طلاق، سرپرستی کودکان و حتی قوانین جزایی نیاز است (کولائی، ۱۳۸۲: ۲۲۳).

خاورمیانه از مناطقی به حساب می‌آید که مسلمانان زیادی را در خود جا داده است. نکته قابل تأمل این است که در این راستا اسلام به طور گسترده‌ای متهم شده است که علت اصلی نگرش‌ها و نهادهای اقتدارگرایانه مردسالاری در خاورمیانه است. در واقع جهت بررسی شکاف و نابرابری جنسیتی در این منطقه از تأثیر عوامل دیگر بر شکاف جنسیتی غفلت شده است.

بسیاری از پژوهشگران به استثنا بودن منطقه خاورمیانه نسبت به مناطق در حال توسعه و به عقب‌ماندگی این منطقه از روندهای جهانی در زمینه اقتصادی و به‌ویژه سیاسی اشاره می‌کنند. کشورهای منطقه خاورمیانه جزء کشورهایی شناخته می‌شوند که مبتنی بر ذخایر نفتی هستند و دولت‌های آنها از ثروت بی‌زحمت نفت برخوردارند. بنابراین احتمال تسلط حکومت اقتدارگرا وجود دارد. در این نظام، توزیع منابع در سطح کل سیستم اجتماعی بیشتر تابعی از ملزومات و ملاحظات سیاسی و حتی شخصی است و نه قواعد، ملزومات و ساز و کارهای بازار (به معنای فضای آزاد رقابتی). چنین الگویی از توزیع منابع به احتمال زیاد نابرابری‌های شدید، پایدار و مخربی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین با توجه به اینکه موضوع شکاف جنسیتی در کشورهای مسلمان خاورمیانه بسیار زیاد به اسلام ربط داده می‌شود و سایر مسائل مرتبط با توسعه فراموش می‌شود و از آن جایی که این مبحث به ساختارهای سیاسی و اقتصادی این کشورها مربوط می‌شود، موضوع رابطه شکاف جنسیتی و توسعه سیاسی و اقتصادی جهت مطالعه انتخاب شد.

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

واژه‌ی شکاف واژه‌ای دیر آشنا در عرصه‌ی مباحث اجتماعی، انسانی و سیاسی است. جامعه‌شناسان کلاسیک نخستین تلاشگرانی هستند که کوشیده‌اند شکاف‌های اساسی را که در زندگی اجتماعی پدید آمده بود توضیح دهند. شکاف اجتماعی، به معیارها و مرزهایی دلالت دارد که گروه‌های اجتماعی را از یکدیگر جدا می‌سازد و یا در تقابل با یکدیگر قرار می‌دهد.

در عرصه‌ی سیاست و اجتماع، شکاف‌های اجتماعی منجر به گروه‌بندی‌های مختلف می‌گردد و هر یک از این گروه‌ها نیز دارای علایق و منافع خاصی هستند که از منابع قدرت و مقاومت خود جهت رسیدن به مقاصدشان استفاده می‌کنند. از آنجا که علایق و منافع این گروه‌ها همواره همسو نیست، بروز کشمکش میان آنها به امری رایج تبدیل می‌شود. در صورتی که تعارضات میان گروه‌ها و نیروهای مختلف موجود در عرصه‌ی سیاست یک جامعه شدت یابد، زمینه برای بروز انقلاب فراهم می‌گردد (داوودی، ۱۳۸۱: ۳۲۴-۳۲۳). شکاف‌ها به طور فزاینده